

ز کوی یار می آید نسیم باد نروزی...

تدارک خوراکی‌ها و شیرینی‌های نروزی نیز از دیگر آدابی است که قبل از سال نو در بسیاری از مناطق ایران رواج دارد، البته با مدرنیته شدن سبک زندگی شاید در بسیاری مناطق از پخت شیرینی خانگی خبری نباشد اما همه مردم ایران به اتفاق، برای ورود به سال نو شیرینی تهیه می‌کنند. در بسیاری از مناطق ایران، شیرینی خاصی به نام «سمنو» تهیه می‌شود که از اجزاء سفره «هفت سین» به شمار می‌رود و در تهیه آن از عصاره جوانه گندم استفاده می‌شود. مشابه این شیرینی در استان کرمان به «کماج سهن» معروف است که همان خواص را با ترکیبی متفاوت دارد.

عیدی نوعروس

یکی دیگر از آیین‌های نروزی در ایران هدیه بردن برای دختری است که در دوران عقد قرار دارد. یک هفته مانده به شروع نروزی، در بیشتر مناطق ایران مرسوم است خانواده‌هایی که برای پسرشان نامزدی انتخاب کرده‌اند؛ هدایایی مثل لباس، سمنو، طلا، پارچه، شیرینی، آجیل و... موسوم به عیدانه می‌برند و متقابلاً خانواده عروس نیز برای داماد؛ شام شب عید، میوه، طلا، لباس و آجیل می‌فرستند.

یادی از رفتگان

سنت زیارت اهل قبور در دهه پایانی سال، سنت ریشه‌دار دیگری است که در سراسر ایران برگزار می‌شود. در این سنت پرمعنا معمولاً آخرین پنجشنبه سال کهنه اختصاص دارد به غبار روبی مزار درگذشتگان و فاتحه خوانی. در این روز مردم با گل و شیرینی بر سر مزار اموات حاضر شده و با شستشوی مزار و قرائت فاتحه یادی از رفتگان می‌کنند.

خرید لباس نو

ایرانیان همیشه به تازگی اهمیت خاصی می‌دهند. در جایی شاعر می‌گوید: «نو کنید جامه را، پاک کنید خانه را، چون که ربیع (بهار) می‌رسد» خرید لباس نو به ویژه برای کودکان آیین پسندیده استقبال نروزی است. همچنین تهیه لباس‌هایی با رنگ‌های روشن برای صاحبان عزا از سوی فامیل با هدف درخواست عوض کردن لباس‌های سیاه در روزهای پایانی سال از آیین‌های کهن پیش از نروزی در اکثر مناطق ایران است.

سفره هفت سین

یکی از مهم‌ترین نمادهای ایرانی «سفره» است. سفره در فرهنگ ایرانی جایگاه مهمی دارد و آن را نماد دور هم جمع شدن، رسیدن از کثرت به وحدت و نزدیکی به فرهنگ کهن هر قوم دانسته‌اند. در سفره‌هایی که برای بزرگداشت هفت آفرینش می‌گسترانند (سفره نروزی هم یکی از آن‌هاست)، نماد هفت آفرینش را در یکجا جمع می‌کنند تا یادآور این موضوع باشند که تمامی آفرینش از اصلی واحد سرچشمه گرفته‌اند. در یک متن اوستایی آمده است که «اهورا مزدا به همراهی امشاسپندان پس از هر مرحله آفرینش، گاهنباری به جای آورد و نامی بر آن نهاد و با اشماسپندان میزد ساخت، پس مردمان نیز باید به همان گونه گاهنبار و میزد کنند.» هر ساله نروزی ایرانیان با نشستن پای سفره هفت سین آغاز می‌شود. سین‌هایی که هر کدام نمادی از تازگی و نو شدن هستند و آیین باستانی نروزی را زیباتر می‌کنند. اما نباید فراموش کرد که فلسفه اصلی آغاز سال جدید در کنار نو شدن سال، نو شدن و تازگی دل و روح است. اگر عمق جانمان را تازه کنیم و از پلیدی به دور نگه داریم بهار واقعی در دل ما جوانه می‌زند چنانکه حافظ می‌گوید: «بهار عمر خواه ای دل وگرنه این چمن هر سال / چو نسرين صد گل آرد بار و چون بلبل هزار آرد»

دوباره می‌رسیم به روز نو! صدای قدم‌های بهار می‌آید و روحی تازه در کالبد زمین دمیده می‌شود. نروزی در ایران، یک سنت ملی و برآمده از روزگاران کهن است و هر جزء از آن نمادی از زیبایی، اخلاق انسانی و مهر و دوستی است. هر ساله با پایان یافتن اسفند، عطر بهار می‌پیچد در مشام زمین و بهانه ای می‌شود برای تازه شدن زندگی.

نروزی، در آئینه باستان

در واژه شناسی این کلمه؛ نروزی را واژه‌ای مرکب از دو جزء می‌دانند که روی هم به معنای روز نوین است. در زبان پارسی میانه این واژه «نوگروچ» یا «نوگروز» است و معرب شده آن را «نیروز» می‌خوانند. بزرگان بسیاری در گذشته از نروزی گفته‌اند. ابوریحان بیرونی که نوشته‌هایش در زمینه نروزی غنی‌ترین و معتبرترین آثار مکتوب است در کتاب التفهیم می‌گوید «نروزی نخستین روز است از فروردین ماه و از این جهت روز نو نام کردند که پیشانی سال نوست» اما نروزی و استقبال از حیات دوباره طبیعت تنها منحصر به عصر حاضر نمی‌شود. این سنت زیبا ریشه در گذشته‌های دور و کهن ایران زمین دارد. قدمت نروزی حتی به زمان‌های پیش از شکل‌گیری ایران و قبل از دوره مادها و هخامنشیان برمی‌گردد. از سه هزار سال پیش از میلاد، در آسیای میانه و آسیای غربی دو عید رواج داشته‌است، عید آفرینش در اوایل پاییز و عید رستاخیزی در آغاز بهار که با گذشت زمان دو عید پاییزی و بهاری به یک عید در آغاز بهار تبدیل شده‌اند.

اگر نگاهی به آیین نروزی در ایران باستان بیندازیم، می‌توان گفت در ایران آیین مرگ و رستاخیز سیاوش با نروزی پیوند خورده است؛ به این ترتیب که چند روز پیش از عید، به سوگ سیاوش می‌نشستند و با فرارسیدن نروزی، به جشن و شادی می‌پرداختند؛ چنان‌که گویا سیاوش، زنده شده باشد. در برخی مستندات تاریخی جمشید پادشاه مشهور ایرانی را بنیان‌گذار جشن نروزی می‌دانند. اما از سوی دیگر از پژوهش‌هایی که در تطبیق نروزی ایرانی و نروزی قبطی (نروزی مصری) و تأثیر آن دو به عمل آمده، بر می‌آید که نروزی ایرانی در زمان داریوش و توسط او در مصر رایج شد. در تمام دوران ساسانی هم نروزی، جشن ملی همه ایرانیان به شمار می‌رفته‌است.

نروزی همواره با رسوم و آیین‌های مختلفی همراه بوده است. در گذشته دور مجموعه رسوم جشن بهاری نروزی با جشن سوری و آتش‌افروزی آغاز می‌شد و پس از برگزاری مراسم سال نو، در روز سیزده فروردین پایان می‌یافت که امروزه نیز همین رسوم با برخی تغییرات اجرا می‌شود.

خانه تکانی

خانه تکانی و زدودن آلودگی‌ها در پایان سال یکی از آیین‌های نروزی است که تا به امروز نیز رواج داشته و مظهر و نمادی از زدودن سیاهی، مرگ و کهنگی از خانه و آماده کردن فضایی پاک و پاکیزه در آستانه نروزی برای استقبال از روشنایی‌ها و خوبی‌هاست. در واقع مردم در خود تحولی ایجاد می‌کنند و آلودگی‌های سال کهنه را در همان سال جا می‌گذارند و پاکیزه به سال جدید وارد می‌شوند.

سبزه

رویش همواره مورد توجه انسان بوده و آیین رستن در نروزی ایرانی هم مشاهده می‌شود. کاشتن سبزه از دیگر کارهایی است که مردم در استقبال از بهار انجام می‌دهند. مردم این سبزه‌ها را که نمادی از سرزندگی و برکت است در سفره‌های هفت سین روز اول عید قرار می‌دهند و در پایان مراسم نروزی در روز سیزدهم فروردین «سیزده بدر» آن‌ها را به دامان طبیعت یا آب روان می‌سپارند و با این عمل، حس تازگی و رویش را در خود بیدار می‌کنند.

شیرینی پزان